

یکی از دستاوردهای فمینیسم زدودن بسیاری از پیش داورهای با رابطه با روسپی گری است. "تقاضا" یعنی رجوع به روسپی دیگر مثل سابق امری متداول جهت پاسخ به نیاز جنسی مردان به حساب نمی آید، بلکه در اذهان عمومی به عنوان عملی انحرافی شناخته شده است تا حدی که کشور سوئد از سال ۱۹۹۹ آن را قابل پیگرد قانونی می داند.

نگاه به "عرضه" کننده یعنی فرد روسپی نیز تغییر کرده است. روسپی دیگر "زن بدکاره" و مجرم نیست، نگاهها بیشتر جنبه دلسوزانه دارد. فاحشه را دیگر نه به عنوان زنی گناهکار که بقیه را از راه راست منحرف می کند و ناقل بیماری های جنسی است بلکه به عنوان "قربانی" مشکلات اجتماعی اقتصادی، روانی و خشونت در نظر می گیرند. البته این پیشرفت در ارزیابی از فحشاء هنوز شکننده و ناکامل است. شکننده است زیرا همانطور که تصمیمات جدید وزیر کشور فرانسه نشان داد، بازگشت به عقب هنوز میسر است. نیکلا سارکوزی در نظر دارد روسپی گری را که به عنوان جرم از سال ۱۹۹۳ از قوانین جزایی خارج شده بود مجدداً شامل این قوانین سازد. (۱) یک بار دیگر منطق مجازات در دستور کار قرار گرفته است، برخوردی که با منطق رایج در فرانسه از سال ۱۹۶۰ مبنی بر حل معضل از طریق کمک رسانی در تضاد است. بی شک چنین برخوردی نتایج منفی برای فاحشه ها به بار می آورد: گسترش کار به صورت پنهانی در شرایط ناهنجار، عدم امنیت، شیوع بیشتر بیماری ایدز و وابستگی بیشتر به سودجویانی که آنها را به کار وادار می کنند. اما چرا پیشرفت در ارزیابی از فحشاء ناکامل است، زیرا ارزیابی از جانب فمینیست ها و افرادی که طرفدار محو کامل فحشاء هستند فاقد جنبه اجتماعی است (۲). این ارزیابی مسئله را یک بعدی بررسی کرده منجر به اتخاذ موضعی می شود که با خواسته ها و مشکلات واقعی آنها در تناقض است. رابطه بین فحشاء و شرایط سخت زندگی اجتماعی نه تنها فراموش بلکه حتی رد هم می شود. بدین ترتیب از قلم یک خانم معتقد به محو فحشاء چنین می خوانیم: «روسپی گری متعلق به تمام اقشار جامعه است» و یا «فحشاء دیگر فقط محدود به اقشار تحتانی جامعه نمی شود» (۳). سخنانی که تحقیقات علمی درباره این موضوع درستی آنها را رد می کند. مثلاً در تحقیقی که فرانسواز رودولف اینگولد در بررسی ۲۱۴ زن و مرد پاریزی روسپی انجام داد نشان می دهد که ۴۱٪ آنها متعلق به اقشار پایین یا خیلی پایین و حتی حاشیه ای جامعه اند (۴). یک بررسی دیگر که در نروژ توسط خانم سیس هویگارد و لیو فمینا صورت گرفته نتیجه می گیرد که «زنان متعلق به طبقه کارگر یا لومین پرولتاریا بیشتر جذب فحشاء می شوند (۵)». سطح تحصیل این زنان معمولاً بسیار نازل است. مطابق آمار فرانسواز رودولف اینگولد «این افراد اگر هم تحصیل کرده باشند (۵۲٪) معمولاً در حد پایین کارآموزی بوده و به گرفتن مدرکی نینجامیده است (۶)». شرایط معیشتی روسپی ها نیز بسیار ناهنجار است. تحقیقی که در سال ۱۹۹۵ نزد ۳۳۵ زن و مرد فاحشه در شهرهای مختلف فرانسه انجام شد نشان داد که ۶۱٪ آنها فاقد پوشش تامین اجتماعی هستند، تنها نیمی از آنها در مسکن ثابت زندگی می کنند و ۴۱٪ در هتل به سر می برند در حالی که ۲٪ بی خانمانند (۷). همین تحقیق از حد بالایی خشونت گواهی می دهد. یک سوم افراد مورد سؤال حداقل یک بار طی ۵ ماه اول سال ۱۹۹۵ مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند. نتایج این تحقیقات ما را بر می انگیزد که فحشاء را نه تنها به عنوان ابزار وحشیانه تسلط جنس مذکر بلکه همچنین به مثابه تظاهر افراطی روابط ناعادلانه اقتصادی اجتماعی ارزیابی کنیم. تنها بسته شدن در های بازار کار بر روی بخشهایی از جمعیت، بویژه زنان است که افراد دارای مشکلات اقتصادی و فرهنگی را جذب فحشاء می کند. فروش تن یا دقیقتر گفته شود اجاره آن برای استقاده جنسی، آخرین راه حل ممکن برای افرادی است که دیگر امکانات متعارف و قانونی اقتصادی از جمله و به ویژه کار

کردن یا بهره جویی از کمک های اجتماعی بر ایشان غیر قابل دسترسی است. فحشاء بخشی از اقتصاد غیر رسمی است مثل سرقت، فروش مواد مخدر، گدایی یا در برخی کشورها مثل ایالات متحده، فروش خون. در این چارچوب علی رغم نظر برخی فاحشه ها یا انجمن های فمینیستی که دم از "آزادی بدون قید و شرط روسپی گری" می زنند، روسپی گری هرگز آزادانه و با طیب خاطر انتخاب نمی شود. فحشاء معمولاً ناشی از کمبود امکانات زیستی است یا تحت فشار صورت می گیرد. در بهترین صورت می تواند به عنوان نوعی هماهنگی از روی استیصال به دلیل کمبود و یا زیر بار خشونت تعریف شود. تن دادن به روسپی گری از روی فشار به ویژه در میان اقشار تهی دست بیشتر دیده می شود. به عنوان مثال یک زن جوان زیر ۲۵ سال که نمی تواند از کمک های دولتی استفاده کند یا معتادی که مجبور است برای پاسخ سریع به نیازش وجه لازم برای تهیه مواد مخدر را به هر ترتیبی به دست آورد و یا مادری تنها و خارجی که مدارک قانونی ندارد و نمی تواند از کمک های دولتی استفاده کند و غیره. اغلب این افراد راه دیگری برای ادامه زندگی خود و احتمالاً فرزندان شان به نظرشان نمی رسد، لذا به تقاضای مردهایی که حاضر به پرداخت وجهی در مقابل رابطه جنسی اند، پاسخ مثبت می دهند. البته همه و اقلیم که فشارها تنها جنبه اقتصادی ندارند، فشارها می توانند ناشی از شانتاژهای احساسی و یا خشونت و ضرب و شتم هم باشند. ظهور شبکه های خارجی و مافیایی که بسیار خشن نیز هستند پدیده نوینی است. این باندها مثل دیگر مجرمین از میان اقشار مردمی ولی فاقد آینده اقتصادی قانونی برمی خیزند و فعالیت هایشان در اشاعه فحشاء امکان دسترسی به ثروت در زمانی کوتاه را برایشان فراهم می کند. فحشاء از سویی دیگر برای قربانیان این باندها نقش رویایی برای دست یابی به وضعیت بهتر را بازی می کند. این زنان با آگاهی از آنچه انتظارشان را می کشد کشور خود را ترک می کنند و یا فریب خورده به امید کاریابی جلائی وطن می کنند، در هر دو حال ارزیابی اشتباهی از خشونت و استثماری که در انتظارشان است دارند و با امید به آینده ای بهتر در جایی غیر از کشور خود همه چیز را ترک می کنند و میهنی را پشت سر می گذارند که معمولاً دارای مشکلات جدی اقتصادی است و از هرگونه تامین اجتماعی مناسب مبرا است. معهذاً همه روسپی ها زیر فشارهای خشن و مستقیمی که برشمرديم نیستند. سرخوردگی اجتماعی نیز یکی از دلایل ورود و به ویژه ماندن در "بازار سکس" است. روسپی گری در واقع یکی از راه های نادر دستیابی به سطح زندگی است که برای افراد متوسط و پایین جامعه به شیوه ای دیگر مقدر نیست. در میان این افراد هستند کسانی که با رنج و به سختی قدم اول را برداشته و حاضر به قبول تحقیر شده اند و سپس برایشان دشوار است که خودفروشی خیابانی را ترک کنند زیرا به خوبی می دانند که درهای دنیای کار بر رویشان بسته است، وانگهی اگر هم کاری "عادی" دست و پا کنند هرگز نمی توانند سطح زندگی و درآمد منتج از فحشاء را حفظ کنند. از زبان این دسته از فاحشه ها بی که وضعیت نسبتاً مرفهی دارند است که معمولاً خواسته های مبنی بر شناسایی حرفه شان به عنوان "شغلی" مثل دیگر مشاغل شنیده می شود. آنها می خواهند که این شناسایی به برخورداری آنها از بیمه تامین اجتماعی و کمک های مالی دولتی و بازنشستگی منجر شود. این افراد که خود را "حرفه ای واقعی می دانند" در ضمن بقیه روسپی هایی که در شرایط دشوارتری کار می کنند را متهم به شکستن قیمت ها، قبول روابط جنسی بدون حفاظت بهداشتی که از طرف بسیاری از "مشتری ها" تقاضا می شود و بالاخره رقابت "ناجوانمردانه" می کنند. اما در کل مواضع آنها ناهنجاری شدید زندگی مجموعه روسپی ها را نشان نمی دهد، "حرفه" آنها تنها ادامه روز به روز زندگی را میسر می سازد و یا در بهترین حالت آنها را از نظر اقتصادی وارد زندگی اجتماعی می کند، اما همه آنها بلا استثناء فاقد امنیت اجتماعی در قبال بیماری، خشونت و یا تصادفات زندگی اند، هر چند همه آنها هر روز به این خطرات دست به گریبانند. در این چارچوب، روسپی گری عملاً خارج از هرگونه امکانات اجتماعی قرار دارد. روبرت کاسنل (۸) چنین می گوید: «فحشاء در حاشیه دنیای کار و تأمینات اجتماعی آن است و در حالتی بین طرد از جامعه و قبول در جامعه در نوسان است، حالتی بی ثبات و معلق که در آن فرد به فعالیتی تحقیر آمیز، پرخطر و معمولاً در خفا تن می دهد و هر لحظه می تواند سقوط کرده و کاملاً به طرف طرد از جامعه سوق داده شود.» معمولاً در چنین شرایطی می توان درک کرد که راه حل محدود کردن روسپی گری در خانه های ویژه یا مناطق شهری معین

فاقد اعتبار است. این راه حل که برخی از انجمن های شهروندان قربانی "تخریبیهای" ناشی از روسپی گری ارائه می دهند در منطق "در حیاط خانه من ممنوع" می گنجد و درست مثل راه حل تضییقات قانونی تنها هدف دور کردن روسپی ها از فضای عمومی را دنبال می کند، سوق دادن آنها به خفا و مناطق و خانه های بسته تنها باعث ناهنجارتر شدن وضعیتشان می شود. طرفداران محو کامل روسپی گری نیز به دلیل عدم بررسی جنبه اجتماعی این موضوع و نداشتن راه حل های اجتماعی واقعی برای آن (۹) دارای مواضع قابل درک نیستند و نهایتاً منطقتشان صدها زن و مرد را کنار خیابانها نگه می دارد. نگاه دو جانبه آنها به روسپی گری گواه چنین ادعایی است، از طرفی آنها را متکی به باندها دانسته و در عمل عامل اجرایی این باندها می دانند و از طرف دیگر لزوماً قربانی اختلالات روانی. اینان روسپی ها را از هرگونه ابراز نظر در ملاء عام منع می کنند. فمینیستها و طرفداران محو فحشاء به این ترتیب خود را در شرایطی قرار می دهند که اعلام مواضعشان برای روسپی ها غیر قابل قبول است و آنها را به چشم رقبای "منزه" می نگرند. این انجمن ها و فمینیستها عملاً از عرصه مبارزه علیه سیاست وزیر کشور مبنی بر مجرم سازی "فقر" خود به خود دور می شوند.

۱- این پس در فرانسه استفاده از شیوه های مختلف و از جمله پوشش و رفتار تحریک آمیز در ملاء عام با قصد دعوت دیگران به انجام عمل جنسی در مقابل پول به پرداخت جریمه ای بالغ بر ۳۷۵۰ یورو ۶ ماه حبس منجر می شود.

(آشیانه) NID ۲- از اصلی ترین انجمن های موافق محو کامل روسپی گری در فرانسه جنبش

۳- کلودین لوگاردینه، فحشا، انتشارات میلان ۱۹۹۶ صفحه ۱۶۳۳

IREP ۴- فرانسواز رودولف اینگولد "کار جنسی، مواد مخدر و ایدز" پاریس انتشارات ایرپ صفحه ۵۴ ۱۹۹۳

POLITY ۵- سسیل هویگارد و لیو فیسداد "خیابانی، فاحشه، پول و عشق"، کامبریچ انتشارات صفحه ۱۵ ۶- همانجا ص ۵۴، ۱۹۹۲ PRESS

۷- آن سرو و دیگران "شرایط زندگی روسپی ها: نتایج پیشگیری بیماری ایدز"، نشریه ایدئولوژی و بهداشت عمومی ۱۹۹۶، شماره ۴۴

- روبرت کاسنل "مسخ مشکلات اجتماعی"، پاریس انتشارات فایارد ۱۹۹۵ ۸

۹- در کتاب لیلیان ماتئو "فحشاء، منطقه آسیب پذیر اجتماع" در نشریه فمینیسم و سئوالات نوین، پاریس شماره ۲، جلد ۲۱، ۲۰۰۲